

مطالعه موردی

از صنعت به جامعه؛ فرایند تحول یک منطقه صنعتی در فرانسه به یک محله پایدار

(واکاوی نمونه موردی محله سنت اوئن)*

حمیده ابرقویی فرد**

آزمایشگاه تحولات فضا، آزمایشگاه معماری، شهر و شهرسازی، مدرسه ملی عالی معماری پاریس-لاویلت، پاریس، فرانسه

مایکل فنکر

گروه معماری، دانشگاه دولایلت، پاریس، فرانسه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

چکیده رویکردهای مشارکتی در طراحی و مدیریت شهری، به ویژه در سطح محله، از اواسط دهه ۱۹۷۰ توجه جهانی را به خود جلب کرده‌اند. در فرانسه، مشارکت ساکنان در پروژه‌های توسعه شهری از طریق برنامه ملی «محله پایدار» به شکل ویژه مورد توجه قرار گرفته است. از سال ۲۰۰۹، پروژه‌های توسعه محله متعددی در سراسر فرانسه تحت این عنوان اجرا شده‌اند. دستیابی به اهداف توسعه پایدار به ویژه با به کارگیری مسکن اجتماعی، فضاهای عمومی و بهینه‌سازی مصرف انرژی مرتبط بوده است. چهار مرحله تعریف شده برای توسعه پروژه‌های محله پایدار عبارتند از: برنامه‌ریزی، تحویل، تجربه و ارزیابی. علی‌رغم اجماع عمومی درباره موفقیت نسبی پروژه‌ها، نوع و سطح رویکردهای طراحی و مدیریت مشارکتی در ابهام باقی مانده است. به طوری که مسئله روابط بین بازیگران مختلف در طول زمان و نحوه شکل‌دهی و تغییر شکل تولید فضا توسط آنها نیاز به توضیح بیشتری دارد. به‌طور خاص، نقش فضاهای عمومی به‌عنوان یکی از ابزارهای رایج توسعه مشارکتی در این پروژه‌ها تا حدودی ناشناخته مانده است. بدین ترتیب، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها است: شیوه‌های مدیریت مشارکتی محله پایدار در فرانسه چیست؟ فرایند برنامه‌ریزی این پروژه‌ها چگونه بر وضعیت فعلی آنها تأثیر گذاشته است؟ ویژگی‌های فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی و مشارکت ساکنان در محله پایدار سنت اوئن چیست؟ این تحقیق با بررسی نمونه موردی سنت اوئن، قصد دارد ارتباط بین رویکرد مشارکتی در طول فرایند طراحی و مدیریت فضای عمومی و نحوه سکونت، تخصیص، استفاده و بازتولید فضا توسط جمعیتی که برای آنها برنامه‌ریزی شده است را روشن کند. در این پژوهش با روش مطالعه موردی، داده‌ها از طریق مصاحبه، مشاهده میدانی و اسناد شهری گردآوری و تحلیل شدند. در مجموع هشت ذی‌نفع اصلی و تعدادی از ساکنان براساس نقش و میزان درگیری انتخاب و مضامین استخراج شده با رویکرد کدگذاری و در چارچوب نظری حکمرانی مشارکتی دسته‌بندی شدند. پروژه‌های محله پایدار در فرانسه ابتکاراتی هستند که از میل به تحقق یک ایده‌آل و سیاست ملی در مقیاس محلی سرچشمه می‌گیرند. این مسئله پیچیدگی‌های لجستیکی ایجاد می‌کند که نتیجه طبیعی تعدد ذی‌نفعان و طرح‌های تعریف و کنترل توسعه است. تحقق مشارکت در این پروژه‌ها به فرایندهای شفاف، مستمر و فراگیری بستگی دارد که صدای ساکنان را از مراحل اولیه در برگیرد و با تحولات غیرقابل اجتناب زمینه در پروژه‌های شهری قابل تطبیق باشد. بر این اساس، فرایند مشارکت در پروژه‌های محله پایدار، به‌عنوان یک فرایند مداوم و چندلایه درک می‌شود که نیازمند سازگاری مداوم، شمول واقعی و هماهنگی مؤثر بین همه ذی‌نفعان در چارچوبی کل‌نگر است. در محله پایدار سنت اوئن، چالش‌هایی مانند نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، محدودیت‌های لجستیکی، جهت‌گیری‌های سیاسی و محدودیت‌های ذاتی پروژه، طرح را بیش از آنکه مشارکتی باشد به مشورت مرحله‌ای و مقطعی فروکاست داده‌اند. بدین ترتیب، مشارکت جزئی از خلال ابزارهای توسعه نظیر مسکن اجتماعی و یا جلسات شورای محله، تحقق نسبی ممکن شده است.

واژگان کلیدی مدیریت مشارکتی، محله پایدار، فضای عمومی.

سطح جهانی مورد استقبال قرار گرفت و فرانسه از طریق ابتکار «محله پایدار»، به‌عنوان نمونه‌ای قابل توجه ظاهر شد. «محله پایدار» یکی از ابتکارات توسعه و ترویج سیاست ملی به نفع «شهر پایدار»^۲ در فرانسه است که براساس آن، دولت، مقامات

مقدمه مفهوم رویکرد مشارکتی به‌طور فزاینده‌ای در حوزه مدیریت پروژه‌های شهری، به ویژه در زمینه توسعه پایدار، مورد توجه قرار گرفته است. از اواسط دهه ۱۹۷۰، این رویکرد در

** نویسنده مسئول: hamidehabarghoui@ut.ac.ir، ۰۹۱۲۶۹۸۲۲۳

چگونگی ادغام یک گفتمان جهانی نظیر توسعه پایدار در ویژگی‌های محلی (Leger-Smith, 2021)، اثرات سوء پروژه‌های محله پایدار از جمله افزایش نابرابری‌های اجتماعی (Roudil, 2023)، چالش‌های موجود در تعادل بخشیدن منافع ذی‌نفعان مختلف و مدیریت میراث تاریخی در محله پایدار (Rémy et al., 2018):

- مزایای پروژه‌های محله پایدار به‌عنوان فرصتی استراتژیک برای انطباق محله با اهداف پایداری (Tozzi, 2014)، ارتقای «هنجارهای زندگی» بر مبنای مفهوم «زندگی مشترک» (Valegeas, 2018)، واکاوی امکان تعمیم تجربه مدیریت مشارکتی محله در سطح شهر (Toura, 2020)

- تعریف معیارهای موفقیت پروژه محله پایدار از جمله تأثیر مکانی‌یابی بر موفقیت پروژه (Joss et al., 2022) و تلاش برای بازتعریف مدل توسعه محله پایدار از جمله ارائه ابزارهای مفهومی، روش‌شناختی و عملیاتی برای طراحی و اجرای پروژه‌های موفق تر (Charlot-Valdieu & Outrequin, 2011)

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد تمرکز پژوهش‌ها اغلب بر ابعاد نهادی و سیاسی و شاخص‌های ارزیابی موفقیت پروژه‌ها بوده است. پرسش بنیادین درباره چگونگی شکل‌گیری و تداوم فضاهای عمومی از منظر تجربه زیسته ساکنان کمتر بررسی شده است. در واقع چگونگی تعاملات روزمره، عاملیت انجمن‌های محلی و بازتولید اجتماعی فضا در طول زمان در ادبیات موجود مغفول مانده است. این خلأ پژوهشی نشان می‌دهد که برای درک کاربردی‌تر از مفهوم محله پایدار، لازم است علاوه بر سطح کلان سیاست‌ها به سطح خرد استفاده واقعی و مشارکت عملی ساکنان توجه شود. این پژوهش با تمرکز بر این شکاف طراحی شده است تا نشان دهد چگونه فرایندهای اجتماعی و تجربه‌های زیسته می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت و کارکرد فضاهای عمومی ایفا کنند.

روش پژوهش

در این پژوهش با بهره‌گیری از روش مطالعه موردی، داده‌های گردآوری‌شده از طریق مصاحبه‌های ساختارمند و نیمه‌ساختارمند، مشاهدات میدانی و اسناد شهری تحلیل شده‌اند. در مجموع هشت نماینده از ذی‌نفعان اصلی پروژه (شامل اعضای انجمن محله، شورای محله و کارشناسان شهرداری) و نیز تعدادی از ساکنان به‌صورت تکمیلی در مصاحبه‌ها مشارکت داشته‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان براساس نقش و میزان درگیری آنها در فرایند توسعه پایدار محله انجام شده است. برای تحلیل داده‌ها، ابتدا مضامین اصلی از طریق کدگذاری باز استخراج شدند و سپس در چارچوب نظری مرتبط با حکمرانی مشارکتی و پروژه‌های محله پایدار زیل محورهایی چون -ابزارها و عاملیت‌های دخیل در توسعه پایدار و معیارهای ارزیابی توسعه شامل برابری، شفافیت، مداخله - دسته‌بندی شدند.

محلی را تشویق کرده است تا یک «سیستم فنی و اجتماعی» جدید را برای توسعه، ارزیابی و تحول شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری اجرا کنند (Fenker & Zetlaoui-Léger, 2017, 83). برنامه محله پایدار که در سال ۲۰۰۹ آغاز شد، با ادغام ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی در برنامه‌ریزی و توسعه محله، قصد دارد محیط‌های شهری پایدار را تقویت کند. محور این ابتکار، تأکید بر فضاهای عمومی از جمله باغ‌های اجتماعی^۳ است که به‌عنوان اجزای حیاتی برای مشارکت جامعه و انسجام اجتماعی عمل می‌کنند. علی‌رغم شناخت گسترده از «نشان محله پایدار»^۴ و مطالعات پژوهشی متعدد در مورد برنامه‌ریزی و طراحی این محله‌ها (ن.ک. Zetlaoui-Léger et al., 2015) خلأ پژوهشی در تجزیه و تحلیل اثرات و پیامدهای برنامه‌ریزی مشارکتی فضای عمومی پس از تحویل پروژه و حین استفاده توسط ساکنان وجود دارد. در حالی که بسیاری از ابتکارات مرتبط با «محله پایدار» در ترویج توسعه پایدار موفق ارزیابی شده‌اند؛ روند تحول، تخصیص و توسعه فضاهای عمومی واقع در این محله‌ها در طول زمان همچنان در پرده‌ای از ابهام است. تحلیل چگونگی تولید فضا در محله سنت‌اوئن، با تمرکز بر فضاهای عمومی، ابزاری است برای درک آنچه بین طراحی پروژه، مدیریت و استفاده بعدی آن توسط مردم در طول زمان اتفاق می‌افتد. بر این اساس، درک تداوم رویکرد مشارکتی در طول مراحل طراحی و مدیریت پروژه فضای عمومی و نحوه سکونت، تخصیص و استفاده از آن توسط ساکنان، هدف اصلی این مطالعه است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پروژه‌های متعددی با هدف شناخت و ارزیابی پروژه‌های محله پایدار در فرانسه انجام شده‌اند که ابعاد مختلفی از این مصداق حاکمیت مشارکتی شهر را در برمی‌گیرند از جمله؛

- واکاوی ماهیت پروژه‌های محله پایدار به‌عنوان محصول تعاملی منعکس‌کننده پایداری شهری (Tozzi, 2017)، چپستی یک محله پایدار با تمرکز بر میزان عملیاتی‌بودن آن (Yepez-Salmon, 2011; Ndiaye et al., 2015)، تبیین ابعاد کاربردی اصطلاح محله پایدار و تفاوت آن با اصطلاحات مشابه (Souami, 2011)، میزان تداوم رویکرد مشارکتی در طراحی، مدیریت و استفاده از فضای عمومی در محله‌های پایدار (Bosc, 2012)، ارائه شاخص‌هایی برای ارزیابی پروژه محله پایدار بر مبنای ادراک شهر به‌عنوان یک سیستم بسته (Yepez-Salmon, 2011).

- پرداختن به نقش و جایگاه عاملیت‌ها و ابزارهای توسعه در پروژه‌های محله پایدار از جمله نقش باغ‌های اجتماعی به‌عنوان تضمین‌کننده موفقیت کلی پروژه (Tozzi & D'Andrea, 2014)، نقش طراحان در فرایند توسعه (Leonet, 2018)

- چالش‌های پیرامون پروژه‌های محله پایدار از جمله چالش‌های ادغام تکنیک‌های نوآورانه اکولوژیکی در امر توسعه (Renauld, 2012)،

مبانی نظری

• حکمرانی شهری مشارکتی؛ توزیع قدرت، شمول و چالش‌ها

بر اساس نظریه قدرت مشارکتی^۵ معرفی شده در دهه ۱۹۶۰، مشارکت شهروندان در نهادهای تصمیم‌گیری می‌تواند قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها را افزایش دهد (Filner, 2006). از دهه ۱۹۷۰، مشارکت عمومی نقش فزاینده‌ای در توسعه شهری به‌ویژه در فرانسه یافته است و تا دهه ۱۹۸۰، مشارکت روشی برای بهره‌گیری از دانش محلی و تغییر توازن قدرت در نظر گرفته می‌شد. دهه ۱۹۹۰ با تأکید دوباره بر دموکراسی مشورتی و نقش جامعه مدنی در حکمرانی شهری همراه بود (Sorensen & Sagaris, 2010, 297-300). در مجموع، مدیریت مشارکتی بستری برای «استدلال جمعی» (Gustafson & Hertting, 2017) و «کنش جمعی در جامعه» (van de Wetering & Groenleer, 2023) فراهم می‌کند. روش‌های مشارکت عمومی امروزه در بسیاری کشورها از عناصر کلیدی برنامه‌ریزی شهری هستند و رویکردهای متنوعی را پدید آورده‌اند. دستورالعمل‌های جهانی چون دستورکار ۲۱ (United Nations, 1992) و دستورکار شهری جدید (ibid., 2017)، اهداف توسعه پایدار (SDGs) (ibid., 2015)، به‌ویژه اهداف ۱۱ و ۱۶، بر مشارکت محلی در تصمیم‌گیری تأکید دارند. کنوانسیون آرهوس (United Nations Economic ..., 1998) دسترسی عمومی به تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی را تضمین می‌کند، در حالی که اصول OECD^۶ در مورد سیاست شهری (OECD, 2019) برنامه‌ریزی شهری مشارکتی را ترویج می‌دهد. با وجود مزایای متعدد حاکمیت مشارکتی (Portney et al., 2002; Bovaird, 2009; Fontan et al., 2007)، انتقاداتی نیز مطرح است. ارجحیت نخبگان بر فقرا در مناطق حاشیه‌نشین (Taylor, 2007; Hertting, 2024)، پنهان شدن سیاست‌های نادرست (Baiocchi & Ganuza, 2015; Boussaguet, 2016; Sorensen & Torfing, 2017) و چالش‌هایی مانند عدم تعادل قدرت، کنترل دولتی، مشارکت گزینشی و ابهام نهادی در این زمینه مطرح هستند (Ostrom, 1990; Fagotto & Fung, 2009; Mathers et al., 2008; Jun & Musso, 2013; Fung, 2015). پروسه و نتایج مدیریت مشارکتی محله‌ها، نه ثابت بلکه پویا و چندتفسیره است (van de Wetering & Groenleer, 2023, 559) و بر این اساس، درک عمیق‌تری از فرایندهای مدیریت مشارکتی در پروژه‌های محله پایدار در فرانسه مورد نیاز است.

• محله پایدار؛ فرایندی برای مشارکت ساکنان در مدیریت پروژه

مدیریت مشارکتی روابط دولت و شهروندان را شکل می‌دهد و سازمان‌های محلی را توانمند می‌سازد تا از طریق دموکراسی مشارکتی، حق شهروندی را طلب کنند (Sorensen & Sagaris, 2010). هدف از این فرایند، توزیع قدرت در تغییرات محله است (Vrebos, 2024). برنامه محله پایدار، با رویکرد جهانی و جامع، مسائل توسعه

پایدار شهری و نحوه سازماندهی پروژه‌ها را بازنگری می‌کند (Zetlaoui-Léger et al., 2015). این برنامه، به تداخل و هم‌افزایی بین افراد، ساکنان و ارزیابی ظرفیت سیستم‌های حکمرانی شهری در فرانسه می‌پردازد (Tribout, 2018). دیدگاه‌های جدید، بر اقدام مشترک شهروندان، متخصصان و نهادهای دموکراتیک برای مدیریت فضاهای شهری و طبیعی به‌عنوان «کالاهای مشترک» (Paquot, 2002) تأکید دارند.

طرح محله پایدار که در پاسخ به قوانین گرزل ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ راه‌اندازی شد، مقامات محلی را به توسعه محله‌های پایدار تشویق می‌کند. در سال ۲۰۱۲، «نشان محله پایدار»^۸ معرفی شد و در سال ۲۰۲۳ با تمرکز بر برچسب‌های «تحویل داده‌شده» (livre) و «زیسته» (vecu) تکامل یافت. برچسب‌گذاری شامل دو مرحله است: تأیید پس از اتمام پروژه و ارزیابی پس از سه سال زندگی اجتماعی. این طرح با زمینه‌های مختلف شهری، حومه‌ای و روستایی سازگار است و کاربردپذیری گسترده را تضمین می‌کند. چارچوب به‌روزشده بر چهار اصل کلیدی تأکید دارد: حاکمیت، کیفیت زندگی، توسعه منطقه‌ای و تأثیر زیست‌محیطی. تاکنون بیش از ۵۰۰ پروژه عمرانی در مراحل مختلف پیشرفت رویکرد محله پایدار مشارکت دارند (Écoquartiers, n.d.) (تصویر ۱). با این حال، پژوهش‌های انجام‌شده روی پروژه‌های محله پایدار فرانسه، شکاف بین اهداف و اجرای واقعی را که تحت تأثیر چالش‌های مدیریت شهری است، برجسته می‌کند (Zetlaoui-Léger et al., 2014, 1). ارزیابی و توسعه پایدار به‌عنوان یکی از اهداف اصلی تشکیل پروژه‌های محله پایدار، ذاتاً به هم مرتبط هستند. ارزیابی در فرانسه یک موضوع «کنترل انطباق» در نظر گرفته می‌شود و ارزیابی پروژه‌ها پس از اتمام، امری مهم تلقی می‌شود (Fenker & Zetlaoui-Léger, 2017, 98 & 99). درک مکانیسم مدیریت مشارکتی محله پایدار، یکی از محورهای اصلی این پژوهش است.

مطالعات متعددی نقش محوری فضای عمومی را در پرکتیس‌های مشارکتی پروژه‌های محله‌های پایدار برجسته می‌کنند (Tozzi & D'Andrea, 2014; Zetlaoui-Léger & al., 2015). فضاهای عمومی اغلب پایدارترین و ملموس‌ترین حوزه برای مشارکت به نظر می‌رسند (Hamman, 2008). ویژگی‌های نمادین و عملکردی، آنها را برای تلاش‌های مربوط به تولید مشترک مناسب می‌کنند (Faburel & Roché, 2012; Renauld, 2012; Fleury & Guérin-Pace, 2022). علاوه بر این، فضاهای عمومی و سبز نسبت به ساختمان‌ها کمتر تحت تأثیر هنجارهای نظارتی و سودآوری قرار دارند. این فضاها نتایج کوتاه‌مدتی ارائه می‌دهند و حس مشارکت و مالکیت ساکنان را تقویت می‌کنند. این پویایی، مدل‌های مشارکتی مانند مدیریت محله‌های شهری در فرانسه از دهه ۱۹۹۰ را منعکس می‌کند، جایی که فضاهای عمومی برای حاکمیت مشارکتی شهر بسیج شدند (Rumpala, 2009; Tozzi & D'Andrea, 2014) (تصویر ۱).

فرانسه حمایت می‌شود، بخشی از طرح «محله‌های جدید شهری»^{۱۲} است که با استانداردهای توسعه پایدار همسو می‌باشد. این منطقه دارای ساختمان‌هایی با بهره‌وری بالای انرژی و راه‌حل‌های نوآورانه زیست‌محیطی مانند جمع‌آوری زباله به شیوه پنوماتیک، گرمایش منطقه‌ای و مدیریت آب باران است (Introduction à l'écoquartier ..., n.d.). روند تکامل محله سنت‌اوتن، تکامل تدریجی یک منطقه صنعتی در حومه شهر به یک محله مسکونی با ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت را نشان می‌دهد (تصاویر ۳ و ۴).

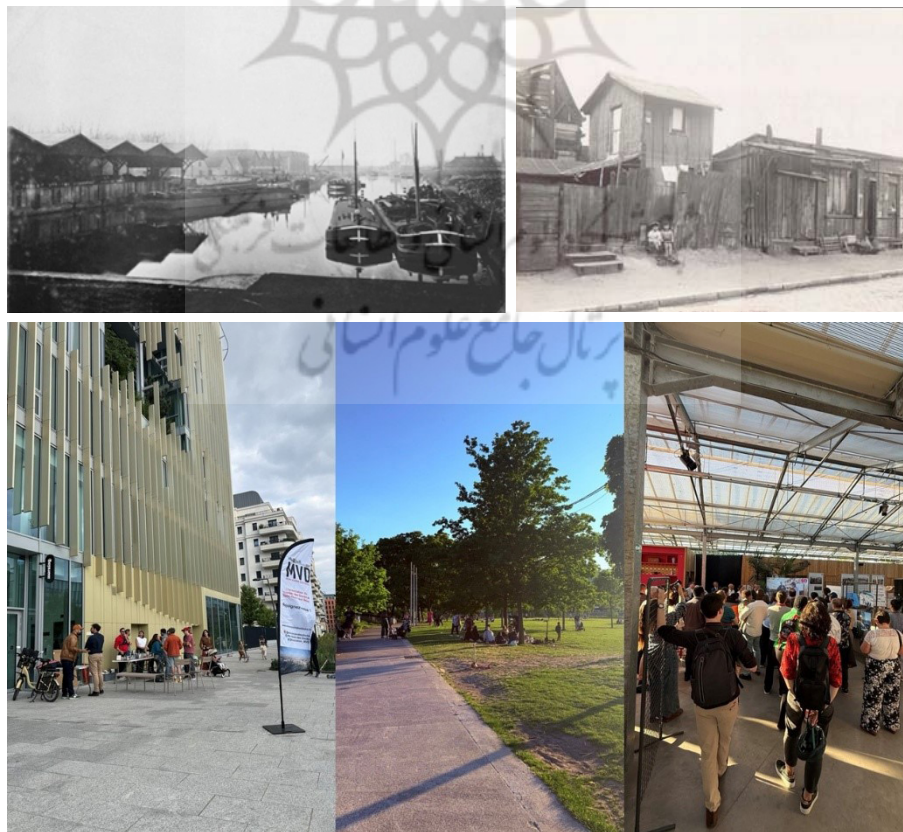
منطقه توسعه هماهنگ سنت‌اوتن، ۱۰۰ هکتار را پوشش می‌دهد که تقریباً یک چهارم کل مساحت شهر «سنت‌اوتن سوق سن»^{۱۱} است. این منطقه در سال ۲۰۰۷ به‌عنوان یک محله جدید، جایگزین منطقه‌ای متروکه در سواحل رود سن شد. شهر سنت‌اوتن به‌طور متوالی توسط حزب‌های مختلف شهرداری اداره شده است، برنامه‌ریزی آن شامل ایجاد امکانات، مسکن اجتماعی، سبک معماری در طول زمان تکامل یافته است و توسعه در سال ۲۰۲۸ به پایان می‌رسد. این منطقه برای اولین بار در سال ۲۰۱۳ به‌دلیل تعهد به نشان «محله پایدار» به رسمیت شناخته شد. اکنون این پروژه با عنوان «تحویل داده‌شده» و «زیسته» به رسمیت شناخته می‌شود (Service Planification ..., 2024).

می‌کند و از این رو، برای مطالعه و ارزیابی ماهیت دموکراتیک پروژه‌های شهری ارزشمند است.

در ابتکارات «محله پایدار»، فضاهای عمومی به‌عنوان ابزارهایی ضروری برای تقویت شمول، در نظر گرفته می‌شوند. فضای عمومی، بنا به تعریف، به اشتراک‌گذاری «امر مشترک» و مفهومی محوری در «مجموعه گفتمانی پایداری» است (Rumpala, 2009). فضاهای عمومی به‌عنوان کوچکترین مخرج مشترک در تجربیات مشارکتی انجام‌شده توسط مقامات محلی ظاهر می‌شوند. فضاهای سبز، با میل به «طراحی مشترک»، «تولید مشترک» و حتی به‌عنوان موضوعات بالقوه برای مدیریت مشترک آینده در نظر گرفته می‌شوند (Laboratoire Espaces ..., 2013, 115). به شکل ویژه «باغ‌های اجتماعی» در پروژه‌های «محله پایدار» مورد توجه ویژه قرار می‌گیرند تا اصول توسعه پایدار پیرامون مسائلی مانند طبیعت در شهر، روابط بین نسلی، کشاورزی شهری، استقلال و سلامت غذایی را ترویج دهند (ibid., 2013, 116). در ادامه ارزیابی «محله پایدار» مورد مطالعه، براساس تولید اجتماعی فضا انجام می‌شود که به‌عنوان (۱) ویتربنی از پایداری اجتماعی و مشارکت شهروندان و (۲) ابزاری برای ارزیابی فرایندهای مدیریت مشارکتی شناخته می‌شوند.

معرفی مطالعه موردی

منطقه توسعه‌یافته «اسکله‌های سنت‌اوتن»^{۱۳} که توسط دولت



تصویر ۳. تحول تدریجی شهر سنت‌اوتن از یک منطقه صنعتی در حومه پاریس به یک محله پایدار. تصویر بالا: اسکله‌های سنت‌اوتن اواخر قرن ۱۹. مأخذ: Teller & Ruelle, 2016 / تصویر پایین محله پایدار سنت‌اوتن امروز. عکس: حمیده ابرقویی فرد، ۱۴۰۴.

مدیریت زیست‌محیطی منطقه کمک می‌کند. از اهداف ایجاد این منطقه توسعه هماهنگ که توسط شهر «سنتاوتن سوق سن» پشتیبانی می‌شود، اتصال مجدد با رود سن و تبدیل زمین‌های بایر صنعتی به مناطق مسکونی با کاربردهای مختلف است (Lettre d'information ..., 2022) (تصویر ۵).

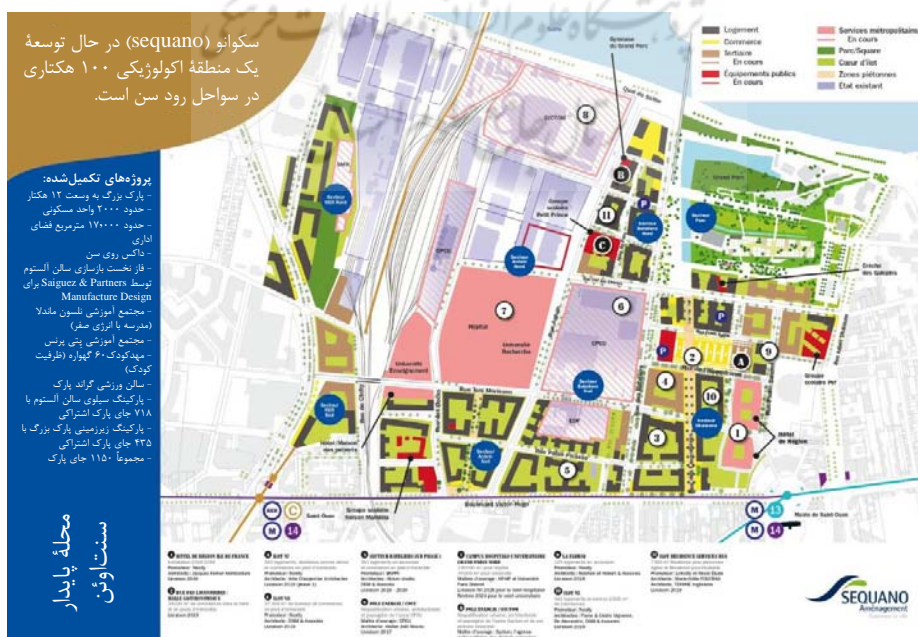
بحث

فرایند مدیریت پروژه‌های محله پایدار، به تفسیر یکی از اعضای فعال انجمن محله^{۱۵} سنتاوتن «در حال انجام و همواره در حال تغییر» است. این همان منطقی است که پروژه‌های شهری را به‌عنوان یک پدیده «جعبه سیاه» توصیف می‌کند. واقعیت احتمالاً

«طرح جامع شهری بین کمون»^{۱۲} سنتاوتن در فوریه ۲۰۲۰ تصویب شد. تنوع عملکردها و ترکیب اجتماعی، ادغام با شهر و سازگاری طرح توسعه با توسعه پایدار از اهداف اصلی این برنامه بود. این برنامه در انطباق با سایر طرح‌های استراتژیک کلان مانند «طرح انسجام منطقه‌ای»^{۱۳} و «طرح حمل‌ونقل شهر»^{۱۴} طرح‌ریزی شد. محله پایدار اسکله‌های سنتاوتن، مظهر یک تلاش قابل توجه برای توسعه مجدد یک منطقه صنعتی است. این پروژه بزرگ شامل بیش از ۲۰۰۰ واحد مسکونی، مناطق تجاری و امکانات عمومی گسترده، از جمله یک پارک و باغ‌های اجتماعی است. این پارک به‌عنوان یک فضای چندمنظوره، فرصت‌های تفریحی را فراهم می‌کند و به



تصویر ۴. محور زمانی شکل‌گیری و تکامل محله سنتاوتن؛ از یک منطقه صنعتی تا جامعه مسکونی. مأخذ: نگارندگان برگرفته از www.docks-saintouen.fr.



تصویر ۵. موقعیت مکانی محله پایدار سنتاوتن. مأخذ: نگارندگان برگرفته از www.espacedeco.com.

خود، تغییرات زیادی ایجاد کنند». بر این اساس، برنامه‌ریزی جمعیتی مناسب برای آینده، اطلاع‌رسانی و آموزش مداوم ساکنان، برای بهبود مدیریت مشارکتی محله ضروری تلقی می‌شوند.

- عاملیت اجتماع؛ انجمن‌ها

انجمن‌هایی مانند «Mon Voisin des Docks» با تقویت ابتکارات مردمی، نقش مهمی در پویایی محله سنت‌اوئن ایفا کرده‌اند.^۶ این انجمن بدون هماهنگی با شهرداری، اقدامات خودجوشی -مانند نقاشی دیواری در نزدیکی پارک بزرگ یا راه‌اندازی پروژه‌های کمپوست- انجام داده‌اند. یکی از اعضا دلیل تلاش‌های خود در این زمینه را «تقویت پیوندهای اجتماعی و توانمندسازی ساکنان در مالکیت محیط زندگی خود» عنوان کرد. از وظایف اصلی این انجمن‌ها، ایجاد فرصت‌هایی برای تعامل اجتماعی و حمایت متقابل است. همان‌طور که یکی دیگر از اعضا توضیح داد، «گردهمایی‌ها به افراد کمک می‌کند تا متوجه شوند تنها نیستند. شناخت همسایگان، مراقبت و حس اجتماع را تشویق می‌کند و فردگرایی را کاهش می‌دهد.» از این‌رو، گردهمایی‌ها به‌طور قابل توجهی به انسجام اجتماعی، افزایش آگاهی و تقویت هویت جمعی کمک می‌کنند. باین‌حال، تأثیر انجمن‌ها به دلیل اساس عضویت آنها محدود است. معمولاً جمعیتی محدود حدود ۵۰ نفر از ساکنان به‌طور فعال در جلسات شهرداری شرکت می‌کنند که اغلب نماینده گروه‌های اجتماعی خاص ساکن در منطقه‌ای از محله سنت‌اوئن هستند. یک متخصص شهرداری خاطرنشان می‌کند: «انجمن Mon Voisin des Docks» فضاهای عمومی اطراف پارک، از جمله باغ‌ها و ابتکارات زیست‌محیطی را مدیریت می‌کند. باین‌حال، آنها فقط حدود ۲۰۰ عضو دارند -که برای یک محله هزاران نفری نسبتاً کم است. روحیه جمعی به مرور زمان، به‌ویژه در میان ساکنان جوان‌تر کاهش یافته است. کاهش در اقدام جمعی، چالش‌هایی را برای مدیریت فراگیر محله ایجاد می‌کند. این یافته‌ها، سؤالاتی را در مورد نمایندگی و مشروعیت انجمن‌ها مطرح می‌کند زیرا آنها اغلب بخش‌های خاصی از جامعه را منعکس می‌کنند.

- عاملیت نهادی؛ شهرداری و مقامات محلی

رویکرد و سیاست‌های مدیریت شهری مستقیماً بر ساختار اجتماعی- فضایی محله سنت‌اوئن تأثیر گذاشته‌اند. این موضوع در اشکال ملموسی مانند معماری مسکن و در اشکال انتزاعی‌تر مانند دگرگونی بافت اجتماعی خود را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال، توزیع مسکن اجتماعی متأثر از سیاست‌های شهرداری تحول یافته و با هر تغییر در سیاست مسکن اجتماعی -مانند درصد بالا در دوره چپ‌گرایان و درصد پایین در دوره راست‌گرایان- بافت اجتماعی تغییر کرده است. این اطلاعات در مصاحبه با ساکنان مطلع‌تر مشهود است: «در دوره اول، شهرداری از حزب کمونیسم بود؛ آنها مسکن اجتماعی زیادی ساختند. در دوره دوم، تقریباً هیچ مسکن اجتماعی ساخته نشد. بنابراین، ویژگی‌های اجتماعی جمعیت در دوره‌های اول و دوم بسیار

جایی در این بین قرار دارد؛ قابل توضیح اما غیرقابل توصیف. براساس یافته‌های میدانی، تولید اجتماعی و تغییرات فضا در پروژه‌های محله پایدار به عوامل زیر و روابط متقابل آنها بستگی دارد:

- عاملیت‌ها و بازیگران دخیل در تولید اجتماعی فضا

- مؤلفه‌های تولید اجتماعی فضا

- ویژگی‌های فرایند مشارکت (تصویر ۶)

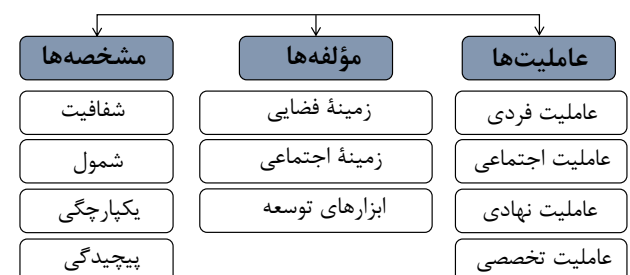
• عاملیت‌ها و بازیگران دخیل در تولید اجتماعی فضا

براساس یافته‌های میدانی اثرگذاری فردی ساکنان، انجمن‌های اجتماعی و نهادهای محلی، کارکنان شهرداری و متخصصانی مانند معماران و برنامه‌ریزان، توسعه فیزیکی و اجتماعی محله را هدایت می‌کنند. این بازیگران با هم یک فرایند پیچیده و چندلایه از تولید فضا را ایجاد می‌کنند که منعکس‌کننده ویژگی‌های در حال تکامل محله است.

- عاملیت فردی؛ اعضای جامعه

اثرپذیری مدیریت مشارکتی از عاملیت فردی در پروژه‌های محله پایدار ذاتاً نسبی است. در میان ۲۰۰ ساکن محله سنت‌اوئن، سطح مشارکت به‌طور قابل توجهی متفاوت است. به گفته یکی از اعضا انجمن محله «از میان ساکنان، آنهایی که حساس‌تر هستند درگیر مسائل مربوط به توسعه محله، مشارکت و اجتماع خود می‌شوند». در حالی که «بسیاری از افرادی که به این منطقه نقل مکان کرده‌اند، نگران محیط‌زیست هستند» بنابراین حتی عنوان «محله پایدار» برای برخی از افراد مهم بوده است. این موضوع نقش عاملیت فردی در مشارکت را برجسته می‌کند. عواملی مانند سن، پیشینه اجتماعی، علایق شخصی و زمینه فرهنگی در میزان مشارکت ساکنان نقش دارد. انجمن محله از افرادی در بازه سنی ۳۵ تا ۴۵ سال با کلاس اجتماعی مشابه تشکیل شده است که به‌طور خودجوش جلساتی را برای گفتگوی سازنده درباره آینده محله ترتیب می‌دهند. یکی از اعضا توضیح می‌دهد که دلیل برگزاری جلسات ماهانه «علاقه به ارتباط با سایر ساکنان محله» است، در حالی که گروه‌های دیگر مانند برخی از تازه‌واردان و نوجوانان ممکن است علاقه چندانی یا اطلاعات دقیقی درباره ویژگی‌های محله‌شان نداشته باشند که به‌عنوان «محله پایدار» شناخته می‌شود. بر این اساس، می‌توان گفت که «شهرداری می‌تواند کارهایی انجام دهد، اما نه همه چیز. ساکنان، می‌توانند از طریق روش‌های استفاده از فضا و حتی مصرف

مدیریت مشارکتی پروژه در محله پایدار



تصویر ۶. مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی پروژه براساس یافته‌های محله پایدار سنت‌اوئن. مأخذ: نگارندگان.

می‌شود، اما لزوماً ساکنان را از انتخاب آن به‌عنوان محل زندگی منصرف نمی‌کند. در واقع، مقرون‌بصرفه‌بودن و نزدیکی به پاریس - تنها ۱۳ دقیقه فاصله - مزایای قابل توجهی هستند. باین‌حال، موانع فیزیکی مانند موقعیت خط راه‌آهن و تأسیسات شهری در مرکز، مانع اتصال و دسترسی در سراسر محله می‌شود. ساکنان می‌گویند: «ما فعالیت‌های صنعتی قوی داریم که جامعه خود را حول آن می‌سازیم [...] این ویژگی‌ها زندگی اجتماعی و تعاملات ما را محدود می‌کنند». همچنین از دیدگاه یک مشارکت‌کننده چندنقشی ساکن-متخصص که در مدیریت انجمن محله مشارکت دارد؛ مقیاس بزرگ محله پایدار مانعی برای مشارکت فعال ساکنان است، زیرا مساحت و جمعیت بالای ساکنان، پیچیدگی فرایند مشارکت را افزایش می‌دهد. بر این اساس، «محدودیت مکانی ناشی از قرارگرفتن در محدوده رودخانه سن و دو شهر همسایه کلیشی و سنت دنیس» مانعی برای توسعه پایدارتر شهر است. سایر محدودیت‌های زیست‌محیطی، مانند توزیع ناهموار پوشش گیاهی و کمبود فضاهای سبز، ویژگی صنعتی را تشدید می‌کند و بر کیفیت زندگی ساکنان تأثیر می‌گذارد. باین‌حال، برنامه‌های توسعه استراتژیک اخیر برای گنجاندن فضای سبز بیشتر و بهبود دسترسی (Service Planification..., 2024) نشان‌دهنده تلاش برای افزایش قابلیت زندگی است. این عوامل فیزیکی و محیطی، پویایی پیچیده پرکتیس فضایی در سنت‌اوتن را نشان می‌دهند، جایی که محدودیت‌های ذاتی با فرصت‌هایی برای بازسازی شهری و بهبود انسجام اجتماعی هم‌زیستی دارند.

- زمینه اجتماعی

زمینه اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری تعامل اجتماعی، همبستگی و توسعه کلی محله پایدار ایفا می‌کند؛ اما به عوامل زیادی مانند جدول زمانی پروژه، تاریخچه یک جامعه، ادراک ساکنان و پرکتیس‌های مشارکتی مدیریت شهری بستگی دارد. برای مثال یکی از ساکنان تازه وارد در سنت‌اوتن خاطر نشان کرد: «یکی از دلایلی نقل مکان من به اینجا، زندگی اجتماعی بسیار غنی است که در سنت‌اوتن وجود دارد» این نشان می‌دهد که هویت اجتماعی می‌تواند حس تعلق و حمایت از ابتکارات محله پایدار را تسهیل کنند. اما برای ساکنان قدیمی‌تر، فقدان تاریخ‌انگیزه‌ای برای توسعه مشارکت اجتماعی است: «پیش از این تنها محیط صنعتی وجود داشت، بنابراین تاریخچه‌ای برای ایجاد روابط اجتماعی وجود نداشت [...] بنابراین جامعه می‌بایست گفتگو و تعامل بیشتری ایجاد می‌کرد».

در سنت‌اوتن، ساکنان در مراحل اولیه توسعه مشارکت حضور نداشتند و این موضوع فرایند مدیریت را همان‌طور که یک نماینده شهرداری اشاره کرد «مشورتی به‌جای مشارکتی» می‌کرد. متخصص دیگر معتقد بود: «فرایند مدیریت محله چندان مشارکتی نیست و نیاز به پیش‌بینی واقعی دارد. چالش واقعی اینجاست که در برخی مناطق، ساکنان پس از طراحی و ساخت فضاهای مسکونی

متفاوت است. این چیزی است که جنریفیکیشن^{۱۸} می‌نامیم [...] آنها در حال تغییر بافت اجتماعی هستند». از جمله اثرات جانبی نبود اقدامات سازنده شهرداری در دوره دوم، افزایش نفوذ و عاملیت انجمن است که منجر به مشارکت بیشتر ساکنان در امور محلی شده است. اعضای انجمن «Mon voison des dock» نیز به این موضوع اذعان دارند: «در سال ۲۰۱۴، تغییر در قدرت محلی از کمونیست‌های چپ‌گرا به لیبرال‌های راست‌گرا رخ داد. آنها نمی‌خواستند در این منطقه تغییری ایجاد کنند و مطلقاً هیچ کاری نکردند. بنابراین، ما مجبور شدیم خودمان را برای مشارکت در پروژه‌ها و توانمندسازی برای ایجاد برخی تغییرات و به نوعی برای ایجاد تعادل در قدرت، سازماندهی کنیم [...]»

- عاملیت حرفه‌مندان؛ متخصصین

در پروژه‌های محله پایدار نقش متخصصانی مانند معماران، معماران منظر و شهرسازان را می‌توان به‌عنوان تحول‌آفرین و تسهیل‌گر مفهوم‌سازی کرد. این متخصصان از طریق مداخلات استراتژیک و مکانیسم‌های پشتیبانی، در شکل‌دهی به پویایی فیزیکی و اجتماعی محله نقش محوری دارند. از منظر تحول‌آفرین، متخصصان با طراحی هوشمندانه فضاهای عمومی، بر پیکربندی فضایی تأثیر می‌گذارند. همان‌طور که یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد: «در مناطق متراکمی مانند محله ما، موضوع ساخت‌وساز بیشتر نیست، بلکه ایجاد سازمان فضایی هوشمندانه‌تر است» که نشان می‌دهد طراحی مناسب می‌تواند محیط‌های شهری را آرام و انسجام اجتماعی را تقویت کند. به‌طور هم‌زمان، نقش آنها به‌عنوان تسهیل‌گر شامل حمایت از ابتکارات شهروندان است. نقل قول، «مردم کارهای کوچکی انجام می‌دهند؛ مهم است که مانع موفقیت آنها نشوند و با مهندسی و کمک اپراتورها از آنها حمایت کنند»، نشان می‌دهد که چگونه متخصصان می‌توانند با ارائه کمک‌های فنی، مشارکت مردم را در تحول بافت شهری تضمین کنند. به‌طور کلی، متخصصان به‌عنوان کاتالیزور برای تغییر مثبت عمل می‌کنند - فضاهای فیزیکی را تغییر می‌دهند و در عین حال مشارکت جامعه را تسهیل می‌کنند - و در نهایت می‌توانند محله‌هایی را شکل دهند که عملکردی و از نظر اجتماعی پر جنب و جوش هستند.

• مؤلفه‌های تولید اجتماعی فضا

تولید اجتماعی فضا به روش‌هایی اشاره دارد که فضا از طریق فعالیت‌های انسانی در طول زمان تولید، سازماندهی و تجربه می‌شود. این شیوه‌ها را می‌توان به‌عنوان موانع یا پیشران‌های پیشبرد پروژه‌های محله پایدار طبقه‌بندی کرد. تولید اجتماعی فضا در محله پایدار سنت‌اوتن تحت تأثیر زمینه فضایی، زمینه اجتماعی و ابزارهای توسعه‌ای قرار دارد.

- زمینه فضایی

زمینه فیزیکی و محیطی محله سنت‌اوتن، پتانسیل‌ها و محدودیت‌هایی را در چارچوب پرکتیس فضایی ارائه می‌دهد. تاریخچه صنعتی آن، اگرچه اغلب به‌عنوان یک عامل بازدارنده دیده

• ویژگی‌های فرایند مشارکتی

مدیریت مشارکتی پروژه در محله‌های پایدار با ویژگی‌هایی چون شفافیت، شمول، پیچیدگی و ادغام نهادی قابل تعریف است. این ویژگی‌ها نشأت گرفته از فرایند ذاتاً چندلایه و چندمتغیره توسعه مشارکتی است که تحت تأثیر تعداد بالای ذی‌نفعان دخیل، ماهیت مرحله‌ای توسعه، پویایی‌های مرتبط با گذر زمان، محدودیت منابع و تحولات مداوم بافت شهری قرار دارد که همکاری حقیقتاً مشارکتی را به چالش می‌کشد.

- شافیت و ارتباطات مؤثر

شفافیت و ارتباط مؤثر از ویژگی‌های ضروری مدیریت مشارکتی و فراگیر و تضمین همسویی توسعه شهری با نیازهای جامعه در پروژه‌های محله پایدار هستند. در سنت‌اوتن، بازیگران سیاسی از طریق پلتفرم‌هایی مانند شورای محله به‌طور فعال با ساکنان تعامل می‌کنند. همان‌طور که یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد، «آنها توضیح می‌دهند که چه برنامه‌ای دارند، چه کاری می‌خواهند انجام دهند و در عین حال به سؤالات و نگرانی‌های ساکنان نیز گوش می‌دهند»، که نمونه‌ای از یک گفتگوی مستقیم و شفاف است. این گفته که «ما نقشه منطقه را داریم و می‌توانیم ببینیم که در پنج یا ده سال آینده چه چیزی ساخته خواهد شد»، نشان‌دهنده تعهد به شفافیت است. مطابق ادعاهای نماینده شهرداری در پروژه نوسازی شهری سنت‌اوتن، ساکنان با اطلاع‌رسانی روشن درباره جدول زمانی و رویه‌ها، از تخریب‌ها و برنامه‌های اسکان مجدد مطلع می‌شوند. این گفتگوی مداوم و شفاف به ساکنان اجازه می‌دهد تا واکنش نشان دهند و بر نحوه تخصیص فضاهای عمومی در طول زمان تأثیر بگذارند. باین‌حال، برخی از ساکنان اظهار داشتند که اطلاعات همیشه به‌طور یکسان در دسترس نیست؛ «همه مردم به دنبال اطلاعات نیستند» و مشارکت همچنان محدود به زیرمجموعه‌ای از جامعه است.

- شمول اجتماعی

شمول به مشارکت فعال ساکنان و بازیگران محلی در فرایندهای تصمیم‌گیری اشاره دارد. همان‌طور که یکی از اعضای انجمن خاطر نشان کرد: «این دقیقاً یک سیستم از پایین به بالا نیست که در آن برای هر تصمیمی که آنها می‌گیرند، در نظر گرفته شویم. بنابراین وقتی می‌خواهیم شنیده شویم، شنیده می‌شویم. اگر چیزی نگوییم، شهرداری آنچه را که برنامه‌ریزی کرده است، انجام خواهند داد». این نشان می‌دهد که در حالی که صدای ساکنان به رسمیت شناخته می‌شود، نفوذ آنها اغلب محدود است. یافتن جایگاه شمول شهروندان در جدول زمانی مدیریت مشارکتی، ممکن است بسیار چالش‌برانگیز باشد. براساس نظر نماینده شهرداری «در مواردی که یک فضای خالی بزرگ از تعطیلی یک کسب و کار - مانند یک سایت صنعتی متروکه - ایجاد می‌شود، مشورت با ساکنان آسان‌تر است. اما در پروژه‌های بزرگ، به‌ویژه در مراحل اولیه که هنوز هیچ ساکنی وجود ندارد. تمرکز بر کیفیت زندگی، شرایط مسکن

و عمومی وارد شدند» وقتی ساکنان از همان ابتدا درگیر نشوند، مشارکت آنها معمولاً به اطلاع‌رسانی یا مشورت درباره تغییرات برنامه‌ریزی‌شده محدود می‌شود که ممکن است مانع توسعه همبستگی واقعی جامعه شود. علاوه‌بر این، پیشینه محله‌ها بر انسجام اجتماعی آنها تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، احیای باغ‌های اجتماعی در سنت‌اوتن نشان‌دهنده تمایل به پیوند مجدد با تاریخ محلی است. همان‌طور که یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد، «احیای باغ‌های اجتماعی متعلق به کارگران کارخانه آلستوم در سال ۱۹۳۱ م. یکی از پتانسیل‌ها و جاذبه‌های اجتماعی امروز است». این پیشینه، هویت مشترکی را فراهم می‌کند که می‌تواند تعامل اجتماعی را در شرایط امروز تقویت کند.

- ابزارهای توسعه

توسعه از طریق روش‌های مختلف از جمله مسکن اجتماعی، پارک بزرگ به‌عنوان فضای عمومی اصلی در منطقه، حمل‌ونقل عمومی و اقتصاد محلی در محله سنت‌اوتن هدایت شده است. هر ابزار، محله را به طرق مختلف تغییر می‌دهد و اثربخشی هر ابزار به نحوه استفاده آن توسط بازیگران درگیر در فرایند مدیریت مشارکتی بستگی دارد.

- **مسکن اجتماعی:** به نظر می‌رسد ایجاد درهم‌آمیختگی اجتماعی با اضافه کردن مسکن اجتماعی در مناطق مختلف، منشأ برخی ناکارآمدی‌ها در محله پایدار باشد. همان‌طور که یکی از اعضای انجمن نتیجه می‌گیرد: «شهرداری سعی کرده است برخی از آپارتمان‌های اجتماعی را در ساختمان‌های مجلل قرار دهد و هم‌زیستی خیلی خوب نیست زیرا می‌توانیم ببینیم که شکافی در استانداردهای زندگی وجود دارد [...]. شاید این تفاوت فرهنگی باشد».

- **فضای عمومی:** در مناسبت‌های خاص مانند آخر هفته‌ها و تعطیلات، افرادی از سایر نقاط شهر و مناطق همسایه از فضای عمومی پارک استفاده می‌کنند. تنوع کاربران از نظر جنسیت، سن و طبقه اجتماعی با داده‌های جمع‌آوری‌شده از مشاهدات میدانی مشهود است. اما مسائل لجستیکی در مدیریت فضای عمومی، از جهت بازیگران چندجانبه‌ای که در شهرداری مشغول به کارند و در محله نیز زندگی می‌کنند، به‌عنوان عامل اختلال در نظر گرفته می‌شود.

- **حمل‌ونقل عمومی:** دسترسی سریع و آسان به پاریس از طریق دو ایستگاه مترو واقع در محله، یکی از امتیازات مشترکی است که توسط اکثر ساکنان مشارکت‌کننده در مصاحبه‌ها ذکر شده است.

- **تجارت محلی:** فقدان تجارت محلی موفق یکی از مواردی است که ساکنان و اعضای انجمن به طرق مختلف به آن اشاره کرده‌اند؛ از «کمبود مغازه‌ها و فروشگاه‌ها» گرفته تا «محصولات کشاورزی ناکافی باغ‌های مشترک در مقایسه با تعداد کل ساکنان». تجارت محلی غیرفعال، براساس نظر یکی از اعضای انجمن و کارشناسان، «نتیجه توسعه‌های ناموفقی است که به سرمایه‌گذاران خارجی داده می‌شود».

سرمایه‌گذاری، بر جدول زمانی و نتایج پروژه تأثیر می‌گذارند. یکی از کارشناسان اشاره کرد: «برخی مشکلات پیش‌بینی نشده مانند شکست در فعال‌سازی تجاری یک خیابان به دلیل تصمیمات اشتباه توسعه‌دهندگان و سرمایه‌گذاران خارجی وجود داشته است» که نشان می‌دهد چگونه مسائل لجستیکی می‌تواند مسیر پروژه را تغییر دهد. علاوه‌بر همه اینها، مسئله جنریفیکیشن^{۱۷} به دلیل نزدیکی به پاریس و اختیارات محدود شهرداری نیز بر تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد.

همه اینها تأیید می‌کنند که محدودیت‌های مالی و پویایی‌های شهری در حال تغییر، به تکامل پروژه شکل می‌دهند. به‌طور کلی، پیچیدگی پروژه‌های محله پایدار از روابط پویا میان ذی‌نفعان، متغیرهای در حال تحول و ماهیت غیرقابل پیش‌بینی توسعه شهری ناشی می‌شود که مستلزم انعطاف‌پذیری و مدیریت تطبیقی در جهت دستیابی به فضاهای عمومی پایدار و فراگیر است (جدول ۱). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فضاهای عمومی در محله پایدار صرفاً محصول طراحی اولیه و تصمیمات نهادی نیستند، بلکه در فرایند مداوم مشارکت و بازتولید اجتماعی شکل می‌گیرند. تحلیل موردی سنت‌اوتن آشکار ساخت که عاملیت ساکنان، انجمن‌های محلی و حتی کنش‌های روزمره می‌توانند به تدریج کیفیت و کارکرد فضا را تغییر دهند و بر هویت اجتماعی محله اثر بگذارند. این نتیجه فراتر از الگوهای سیاسی و شاخص‌های ارزیابی رایج است و تأکید می‌کند که پایداری واقعی تنها زمانی محقق می‌شود که مشارکت معنادار و چندلایه ساکنان در طول زمان استمرار یابد.

یافته‌های این پژوهش در پرتوی نظریه «تولید اجتماعی فضا»^{۱۸} هانری لوفور اهمیت ویژه‌ای می‌یابند. لوفور تأکید دارد که فضا صرفاً ظرفی خنثی برای فعالیت‌های انسانی نیست، بلکه محصول روابط قدرت، بازنمایی‌های فرهنگی و کنش‌های روزمره است. داده‌های میدانی سنت‌اوتن نشان دادند که فضاهای عمومی محله در فرایند تعاملی میان ساکنان، نهادهای محلی و متخصصان به‌طور مداوم بازتعریف می‌شوند. این فرایند از یک‌سو به شکل‌گیری ابتکارات جمعی و همبستگی اجتماعی منجر می‌شود و از سوی دیگر، تحت‌تأثیر نیروهای اقتصادی و فرایندهایی چون جنریفیکیشن می‌تواند به بازتوزیع نابرابر منابع و کاهش مشارکت واقعی بیانجامد. بدین ترتیب، نوآوری این پژوهش در برجسته‌سازی این واقعیت است که «محله پایدار» نه تنها ابزار سیاست‌گذاری شهری بلکه عرصه‌ای برای منازعه و گفت‌وگو بر سر معنا و کارکرد فضا است. این یافته سهمی نظری در بسط فهم لوفوری از فضا در مقیاس محله دارد و در عین حال، دلالت‌های کاربردی مهمی برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری به همراه دارد: موفقیت پروژه‌های محله پایدار تنها زمانی تضمین می‌شود که سازوکارهای مشارکتی فراگیر و شفاف بتوانند در کنار ابعاد فنی و کالبدی، ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی ساکنان را نیز بالفعل سازند.

و امکانات رفاهی است، نه مشارکت دقیق در برنامه‌ریزی فضایی». نماینده شهرداری بر اهمیت مشارکت جمعی ساکنان در شکل‌دهی به پروژه‌ها تأکید کرد و اظهار داشت: «مهم است که ساکنان را در پیشنهاد پروژه‌ها مشارکت دهیم، اما آنها ابتدا باید گرد هم آیند و در مورد آنچه می‌خواهند به توافق برسند». این امر بر لزوم اجماع بین ساکنان قبل از پرداختن به امکان‌سنجی فنی یا مالی تأکید می‌کند. با این حال، مشارکت اغلب به مشورت در مورد فعالیت‌های موقت محدود می‌شود تا تغییرات ساختاری.

• ادغام نهادی

ادغام به چگونگی همکاری سازمان‌ها و نهادهای مختلف در مدیریت پایدار محله مربوط می‌شود. به‌عنوان مثال، اداره فضاهای عمومی (PTA) مسئول نگهداری فضاهای عمومی و مدیریت راه‌حل‌ها است و شهرداری تنها مسائل گزارش‌شده توسط ساکنان را دریافت می‌کند: «ما فقط مسائل را گزارش می‌دهیم اما راه‌حل‌ها را مدیریت نمی‌کنیم...». این تعارض نیست؛ بلکه مسئله لجستیکی - برنامه‌ریزی و بودجه - است. مسئله تعریف‌شدن نقش‌ها، نیاز به هماهنگی معنادار میان بازیگران مختلف - ادارات شهرداری، انجمن‌ها و ساکنان - را برای اطمینان از انسجام و اثربخشی اقدامات نشان می‌دهد. همان‌طور که یک مقام منتخب اظهار داشت: «ساکنان به‌طور طبیعی به ما مراجعه می‌کنند، زیرا در تصور و ناخودآگاه جمعی، شهردار چهره اصلی است. اما ما فقط مسائل را گزارش می‌دهیم؛ ما راه‌حل‌ها را مدیریت نمی‌کنیم». از این‌رو، مدیریت پایدار محله نیاز به یک تلاش مشترک دارد که در آن نقش هر بازیگر به وضوح در یک چارچوب مشترک ادغام شده باشد. ادغام نهادی مؤثر، به نقش‌های هماهنگ میان آژانس‌های مختلف بستگی دارد و برای ایجاد محله واقعاً پایدار و قابل سکونت ضروری است.

- پیچیدگی

مدیریت مشارکتی پروژه‌های محله پایدار، ذاتاً پیچیده است و توسط متغیرهای متعدد درهم‌تنیده و زمینه‌های در حال تحول شکل می‌گیرد. همان‌طور که یکی از متخصصان اشاره کرد، مدیریت پروژه‌های شهری در سنت‌اوتن «فرایندی در حال انجام و به‌صورت مشاوره است، اما مشارکت کامل در برنامه‌ریزی نیست. این یک پروژه عظیم است که به‌صورت مرحله‌ای و با یک شیوه عملیاتی خاص در حال انجام است». با این بینش فرایند مدیریت پروژه، اغلب از بالا به پایین باقی می‌ماند. مقیاس و ماهیت مرحله‌ای این پروژه‌ها، تعامل را پیچیده‌تر می‌کند. به‌خصوص در مناطق بزرگ نوسازی شهری مانند ZAC‌ها، گاهی به دلیل بزرگی مقیاس منطقه «به‌جای حل مسائل که هدف اصلی ایجاد ZAC است، چالش‌های بیشتری ایجاد می‌شود». کارشناسان شهرداری سنت‌اوتن همچنین اشاره کردند که «ساکنان هنگام تصمیم‌گیری حضور نداشته‌اند» و بر مسئله زمان‌بندی و دامنه محدود گفتگوی واقعی تأکید کردند که اغلب خارج از کنترل برنامه‌ریزان است؛ زیرا موانع مالی، حقوقی و اداری - مانند تأخیر در فعال‌سازی تجاری یا فروپاشی

از صنعت به جامعه؛ فرایند تحول یک منطقه صنعتی در فرانسه به یک محله پایدار ...

جدول ۱. یافته‌های میدانی پژوهش براساس مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی. مأخذ: نگارندگان.

نقش‌ها و اثرات در مدیریت مشارکتی محله پایدار	اجزا و ویژگی‌های مدیریت مشارکتی	باز یگران، اجزا و ویژگی‌های مشارکتی
اثرات ذاتاً نسبی مربوط به ویژگی‌های شخصی مانند سن، پیشینه اجتماعی و زمینه فرهنگی	عاملیت فردی؛ اعضای جامعه	باز یگران، اجزا و ویژگی‌های مشارکتی
اثر محدود به دلیل اساس عضویت و نمایندگی طبقه اجتماعی و بخش‌هایی از ساکنان	عاملیت اجتماعی؛ انجمن‌ها	
اثر تحول آفرین به روش‌های مستقیم یا غیرمستقیم رویکرد، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدیریت شهری	عاملیت نهادی؛ شهرداری و مقامات محلی	
هم تحول آفرین و هم تسهیل‌کننده بسته به تخصص و دستیار فنی	عاملیت حرفه‌ای؛ کارشناسان	
اثر تضعیف‌کننده یا تقویت‌کننده وابسته به پتانسیل‌ها و محدودیت‌های یک محیط شهری مشخص و سیاست‌های طراحی و مدیریتی	زمینه مکانی	مؤلفه‌های تولید اجتماعی
تضعیف‌کننده یا تقویت‌کننده وابسته به جدول زمانی پروژه، تاریخچه جامعه، ادراک ساکنان و پراکنش‌های مشارکتی مدیریت	زمینه اجتماعی	
اثر مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به نحوه استفاده از مسکن اجتماعی، فضای عمومی، حمل‌ونقل عمومی، تجارت محلی توسط بازیگران	ابزارهای توسعه	
اثر نسبی وابسته به تمایل فردی برای جستجوی اطلاعات و فعالیت‌های دستگاه‌های ارتباطی مانند Conseil de Cartier و وبسایت	شفافیت و ارتباطات	ویژگی‌های مشارکتی
اثر مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به اراده فردی و نهادی برای مشارکت و زمینه و جدول زمانی پروژه	فراگیری اجتماعی	
اثر مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به نقش و روابط هماهنگ بین عاملیت‌های مختلف	ادغام نهادی	
اثر غیرمستقیم وابسته به روابط پویا بین ذی‌نفعان، جدول زمانی پروژه، ابعاد مالی، حقوقی و اداری پروژه‌ها	پیچیدگی	

نتیجه‌گیری

به‌شدت به عوامل زمینه‌ای، نهادی و اجتماعی بستگی دارد که در طول زمان تکامل می‌یابند. مکانیسم مدیریت مشارکتی با تعامل پویا بین بازیگران متنوع ساکنان، انجمن‌ها، مقامات شهرداری و کارشناسان - مشخص می‌شود که نقش و نفوذ آنها بسته به مرحله توسعه پروژه متفاوت است. این فرایند ذاتاً پیچیده است و توسط متغیرهایی مانند زمینه فضایی و اجتماعی، پیشینه جامعه و ترتیبات نهادی شکل می‌گیرد که بر نحوه تولید اجتماعی فضا تأثیر می‌گذارند.

یک بینش کلیدی از مطالعه نمونه موردی سنت‌اوتن این است که موفقیت مدیریت مشارکتی پروژه به فرایندهای شفاف، مستمر و فراگیری بستگی دارد که واقعاً صدای ساکنان را از مراحل اولیه در بر گیرد و با تحولات غیرقابل اجتناب زمینه نظیر پدیده جنریفیکشن قابل تطبیق باشد. چراکه تحولات به ظاهر کوچکی چون تغییر درصد مسکن اجتماعی در محله سنت‌اوتن، منجر به تحولات بنیادین ساختار جمعیتی و کاهش عاملیت ساکنان در فرایند مشارکت شده است.

تحقق یک ایده‌آل و سیاست ملی در مقیاس محلی، پیچیدگی‌های لجستیکی ایجاد می‌کند که نتیجه طبیعی تعدد نهادهای درگیر و طرح‌های کنترل توسعه است. چنانچه در محله پایدار سنت‌اوتن شهرداری در مقام هماهنگ‌کننده‌ای میان ساکنان (چه فردی و چه انجمنی) و سازمان‌های متخصص مانند PTA و sequano و بخش خصوصی شامل توسعه‌دهندگان ظاهر می‌شود. بر این اساس، مکانیسم مدیریت مشارکتی در پروژه‌های محله پایدار به‌عنوان یک فرایند مداوم و چندلایه درک می‌شود و تضمین موفقیت بلندمدت

مشارکت موفق ساکنان در طراحی و استفاده از فضاهای عمومی محصول فرایندی پویا و چندسطحی است که در آن تعامل میان نهادهای شهری، انجمن‌های مدنی و گروه‌های محلی نقشی تعیین‌کننده دارد. محله پایدار صرفاً یک پروژه کالبدی نیست بلکه برساخته‌ای اجتماعی است که همواره در حال بازتولید است و تحقق اهداف پایداری آن، بدون ایجاد سازوکارهای مشارکتی واقعی و قدرت‌مند ساختن اجتماعات محلی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، رویکردی که به مشارکت به‌عنوان عنصری نمادین یا صرفاً ابزاری نگاه کند، نمی‌تواند پایداری اجتماعی-فضایی را تضمین کند. فرایند برنامه‌ریزی در محله پایدار سنت‌اوتن همان‌گونه که یکی از نمایندگان شهرداری بیان کرده «بیشتر از جنس مشورت و واکنش به شرایط موجود است تا مشارکت از مرحله نخستین طرح». این مسئله ابتدا از ساخته‌شدن محله در یک منطقه صنعتی و بدون سکنه نشأت گرفته و در نتیجه چالش‌های دیگر تقویت شده است از جمله؛

- مقیاس بزرگ محله و محدودیت کالبدی توسعه درونی و بیرونی با وجود تأسیسات شهری در مرکز و همجواری‌های محدود
- عدم همبستگی اجتماعی به‌دلیل شکل‌گیری مرحله‌ای ساختار جمعیتی و تفاوت‌های بارز ساکنان به‌لحاظ کلاس اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی
- تحول بافت اجتماعی و جنریفیکیشن در نتیجه سیاست‌های متعارض در دوره‌های مختلف مدیریت شهری و اثرپذیری از همجواری با پاریس
- اثر بخشی استراتژی‌های مشارکتی برای ایجاد محله‌های پایدار

گونه نتیجه گرفت که فضاهای عمومی به‌عنوان جزئی از یک پروژه عظیم شهری در مقیاس محله، می‌توانند بازگوکننده شکوفایی زندگی اجتماعی باشند که نتیجه فراهم آوردن بستر مناسب توسط نهاد شهرداری و متخصصان است اما این موضوع الزاماً تأییدکننده تحقق مشارکت کامل شهروندان در یک پروژه محله پایدار نیست.

تقدیر و تشکر

نویسنده مراتب سپاس خود را از کوم وله (Cosme Vallet) به‌دلیل همکاری مؤثر در انجام بخشی از مصاحبه‌های این پژوهش اعلام می‌دارد.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای وی وجود نداشته است.

این محله‌ها مستلزم یک رویکرد کل‌نگر است که ابعاد اجتماعی، فضایی و نهادی را ادغام کند.

با این وجود، یافته‌های پژوهش، یک پیشفرض اصلی آن را به چالش می‌کشد؛ «موفقیت فضاهای عمومی مانند پارک‌ها و باغ‌های اجتماعی، شاخص‌های ملموس و نمادین موفقیت رویکرد مشارکتی محسوب می‌شوند». در محله پایدار سنتاوتن، چالش‌هایی مانند نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، محدودیت‌های لجستیکی، جهت‌گیری‌های سیاسی و محدودیت‌های ذاتی پروژه، طرح را بیش از آنکه مشارکتی باشد به مشورت مرحله‌ای و مقطعی فروکاست داده‌اند که از خلال ابزارهای توسعه نظیر مسکن اجتماعی یا جلسات شورای محله، تحقق نسبی و جزئی مشارکت را ممکن ساخته است. با این حال، موفقیت پروژه فضای عمومی پارک از خلال مشاهدات و مصاحبه‌ها قابل چشم‌پوشی نیست. از خلال این تعارض می‌توان این

پی‌نوشت‌ها

- * این مقاله برگرفته از دوره پسادکتری «حمیده ابرقویی فرد» است که به راهنمایی پروفیسور «مایکل فنکر» در لابراتوار تحقیقاتی (Laboratoire Espaces Transformations- LET) وابسته به مدرسه ملی عالی معماری پاری-لاویلت (École Nationale Supérieure d'Architecture de Paris-La Villette) و عضو واحد پژوهشی مشترک (LAVUE (UMR CNRS 7218) در سال ۱۴۰۴ انجام شده است.
- در زبان فرانسوی واژه «Quartier» به معنی محله است. به همین ترتیب، اصطلاح «Ecoquartier» را می‌توان «محله پایدار» ترجمه کرد.
 - Ville durable.
 - Jardin commune.
 - ÉcoQuartier label: نشان محله پایدار که در سال ۲۰۱۲ راه‌اندازی شد، یک «مکانیسم فنی و اجتماعی» برای تشویق، حمایت و ارتقای پروژه‌های توسعه شهری است که می‌خواهند بخشی از سیاست ملی باشند، از توسعه یک معیار گرفته تا اجرای آن (Fenker, 2022: 231).
 - participatory power.
 - Sustainable Development Goals (SDGs).
 - OECD's (Organisation for Economic Co-operation and Development) Principles on Urban Policy.
 - ÉcoQuartier lable به معنای «نشان محله پایدار»، یک گواهینامه رسمی فرانسوی است که توسط دولت فرانسه به پروژه‌های توسعه شهری اعطا می‌شود که استاندارد بالایی در برنامه‌ریزی شهری پایدار، فراگیر و مشارکتی دارند.
 - des Docks de Saint-Ouen.
۱۰. Nouveaux Quartiers Urbains (NQU).
۱۱. در بستر شهرسازی فرانسه، «ZAC» مخفف «Zone d'Aménagement Concerté» است که «منطقه توسعه هماهنگ» ترجمه می‌شود. این یک منطقه تعیین شده است که در آن برنامه‌ریزی و توسعه شهری به صورت جمعی توسط مقامات دولتی و توسعه‌دهندگان هماهنگ و مدیریت می‌شود تا رشد سازمان‌یافته، زیرساخت‌ها و کاربری زمین را ارتقا دهد.
۱۲. Saint-Ouen-Sur-Seine.
۱۳. «RLU» در زبان فرانسه مخفف «Plan Local d'Urbanisme intercommunal» است. این یک سند راهبردی و جامع برنامه‌ریزی شهری است که توسط چند شهرداری به صورت مشترک تهیه می‌شود و چارچوبی برای توسعه فضایی، کاربری زمین و سیاست‌های زیربنایی در سطح فرمانطقه‌ای ارائه می‌دهد.
۱۴. Plan de Déplacements Urbains (PDU).
۱۵. SCOT مخفف طرح انسجام منطقه‌ای و ابزاری برای طراحی و اجرای برنامه‌ریزی بین‌شهری است. این طرح به‌عنوان یک چارچوب مرجع برای سیاست‌های بخشی عمل می‌کند و به موضوعات برنامه‌ریزی شهری، مسکن، تحرک، توسعه تجاری و محیط‌زیست می‌پردازد.
۱۶. نقش انجمن‌ها در مدیریت محله‌های پایدار، چندوجهی و برای دستیابی به اهداف پایداری زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی حیاتی است. این انجمن‌ها اغلب از ساکنان، ذی‌نفعان محلی، گروه‌های زیست‌محیطی و متخصصان تشکیل شده‌اند.
۱۷. اعیانی‌سازی به معنای تحول یک محله از ارزش پایین به ارزش بالا است. این مسئله فرایندی از توسعه شهری تلقی می‌شود که در نتیجه برنامه‌های نوسازی، یک محله یا بخشی از شهر در مدت زمان کوتاهی به سرعت توسعه می‌یابد.

- Abarghouei Fard, H., Motalebi, G., & Mansouri, S. A. (2023a). A theory of Good Form of Public Space» A Critical Review of the Criteria for the Formation of Efficient Public Space. *Bagh-e Nazar*, 20(121), 37-54. <https://doi.org/10.22034/bagh.2023.382820.5325>
- Abarghouei Fard, H., Mansouri, S. A., & Motalebi, G. (2023b). Narrative Review of Pertinent Theories on 'Public Space' in Cities. *Bagh-e Nazar*, 19(116), 85-102. <https://doi.org/10.22034/bagh.2022.376257.5305>
- Baiocchi, G., & Ganuza, E. (2015). Becoming a best practice. *Democratizing inequalities: Dilemmas of The New Public Participation*, 187-203. <https://www.cambridge.org/core/books/participation-in-social-policy/2663DD5AA71E953F1A0AFB0AD74AACCB>
- Bosc, C. (2012). From urban ecology to eco-neighborhoods: persistence of a utopian project or communitarian drift? *Revue des Sciences Sociales*, 47(1), 20-29. <https://doi.org/10.3406/revss.2012.1432>
- Bourdin, A. (2005). Dynamiques de la maîtrise d'ouvrage urbaine et mutations du contexte local. *La Maîtrise d'Ouvrage Urbaine*, 34-43. <https://hal.science/halshs-00136380>
- Boussaguet, L. (2016). Participatory mechanisms as symbolic policy instruments? *Comparative European Politics*, 14(1), 107-124. <https://doi.org/10.1057/cep.2015.12>
- Bovaird, T. (2007). Beyond engagement and participation: User and community coproduction of public services. *Public Administration Review*, 67(5), 846-860. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6210.2007.00773.x>
- Charlot-Valdieu, C., & Outrequin, P. (2011). *Ecoquartier-Mode d'emploi*. Editions Eyrolles. <https://www.editions-eyrolles.com/livre/ecoquartier-mode-d-emploi>
- Écoquartiers. (n.d.). *Écoquartiers*. Gouvernement français. Retrieved March 23, 2026, from <https://www.ecoquartiers.logement.gouv.fr/>
- Faburel, G., & Roché, S. (2012). Habiter durablement: valeurs sociales et pratiques participatives dans les écoquartiers. In *Aménager les territoires durables, Cahiers Ramau* (pp. 31-53). https://www.everyday-democracy.org/sites/default/files/attachments/EDD_Kettering_Paper_2009.pdf
- Fagotto, E., & Fung, A. (2009). *Sustaining public engagement. Embedded Deliberation in Local Communities. An Occasional Research Paper from Everyday Democracy and the Kettering Foundation*. East Hartford. <https://search.issuelab.org/resource/sustaining-public-engagement-embedded-deliberation-in-local-communities.html>
- Fenker, M. (2022). Savoirs et pratiques de la maîtrise d'ouvrage urbaine à l'épreuve de la démarche ÉcoQuartier. In M. Fenker, I. Grudet, & J. Zetlaoui-Léger (Eds.), *La fabrique de la ville en transition* (pp. 231-248). <https://books.openedition.org/quaef/43757>
- Fenker, M., & Zetlaoui-Léger, J. (2017). Les politiques nationales de développement urbain durable en France à l'épreuve des expérimentations locales: le cas des écoquartiers. *Politiques et Management Public*, 34(1-2), 83-102. <https://shs.hal.science/halshs-01633495v1>
- Fenker, M., Thonnart, A., & Leonet, J. (2014). *Les démarches, processus et procédures dans les premiers projets d'ÉcoQuartiers en France*. Ministère du Logement, France. https://www.ecoquartiers.logement.gouv.fr/assets/articles/documents/2014_demarche-et-processus.pdf
- Filner, M. F. (2006). The limits of participatory empowerment : Assessing the Minneapolis neighborhood revitalization program. *State and Local Government Review*, 38(2), 67-77. <http://www.jstor.org/stable/4355420>
- Fleury, A., & Guérin-Pace, F. (2022). *Les espaces publics urbains. Penser, enquêter, fabriquer*. Presses Universitaires François-Rabelais. <https://pufr-editions.fr/produit/les-espaces-publics-urbains/>
- Fontan, J. M., Hamel, P., Morin, R., & Shragge, E. (2009). Community organizations and local governance in a metropolitan region. *Urban Affairs Review*, 44(6), 832-857. <https://doi.org/10.1177/1078087408326901>
- Fung, A. (2015). Putting the public back into governance: The challenges of citizen participation and its future. *Public Administration Review*, 75(4), 513-522. <https://doi.org/10.1111/puar.12361>
- Gustafson, P., & Hertting, N. (2017). Understanding participatory governance: An analysis of participants' motives for participation. *The American Review of Public Administration*, 47(5), 538-549. <https://doi.org/10.1177/0275074015626298>
- Hertting, N. (2024). Participatory bias and participatory neighborhood governance: Reanalyzing the most-likely case of the Stockholm neighborhood renewal program. *Urban Affairs Review*, 60(2), 674-705. <https://doi.org/10.1177/10780874231203919>
- *Introduction à l'écoquartier Docks Saint-Ouen*. (n.d.). Docks Saint-Ouen. Retrieved March 23, 2026, from <http://docks-saintouen.fr/lecoquartier/introduction/>
- Joss, S., d'Assenza-David, H., & Serra, L. (2022). Eco-neighborhoods and the question of locational advantage: A socio-spatial analysis of French 'ÉcoQuartiers'. *Cities*, 126, 103643. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103643>
- Jun, K. N., & Musso, J. (2013). Participatory governance and the spatial representation of neighborhood issues. *Urban Affairs Review*, 49(1), 71-110. <https://doi.org/10.1177/1078087412453704>
- Laboratoire Espaces Travail, ENSA Paris-La Villette, UMR CNRS 7218 LAVUE. (2013). *La concertation citoyenne dans les projets d'écoquartiers en France: Évaluation constructive et mise en perspective européenne*. https://www.ecoquartiers.logement.gouv.fr/assets/articles/documents/2010_evaluation-concertation-eq.pdf
- Leger-Smith, A. (2021). Critique de paysage de l'écoquartier Vidailhan à Balma, entre écologie de l'espace public et identité territoriale urbain-rural. *Textes et Contextes*, (16-2). <https://preo.ube.fr/textesetcontextes/?id=3359>
- Leonet, J. (2018). *Les concepteurs face à l'impératif participatif dans les projets urbains durables: le cas des écoquartiers en France* [Doctoral dissertation, Conservatoire national des arts et métiers-CNAM]. Thèses.fr. <https://theses.fr/2018CNAM1218>
- *Lettre d'information Été 2022 – Docks Saint-Ouen*. (2022). Docks Saint-Ouen. Retrieved March 23, 2026, from http://docks-saintouen.fr/wp-content/uploads/2016/06/2022_06_Lettre-dinfo-%C3%A9t%C3%A922_webdef2.pdf
- Madanipour, A. (1996). Urban design and dilemmas of space. *Environment and planning D: Society and Space*, 14(3), 331-355. <https://doi.org/10.1068/d140331>
- Mathers, J., Parry, J., & Jones, S. (2008). Exploring resident (non) participation in the UK new deal for communities regeneration programme. *Urban Studies*, 45(3), 591-606. <https://doi.org/10.1177/0042098007085964>
- Ndiaye, A., Carimtrand, A., & Gallard, M. R. (2015). Les écoquartiers, territoires d'expérimentation des nouvelles utopies urbaines? Le cas de l'habitat participatif. Développement durable et territoires. *Économie, Géographie, Politique, Droit, Sociologie*, 6(2). <https://doi.org/10.4000/developpementdurable.10922>
- OECD. (2019). *OECD principles on urban policy*. OECD Publishing.
- Ostrom, E. (1990). *Governing the commons: The evolution of institutions for collective action*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511807763>
- Pinson, D. (2004). Urban planning: an 'undisciplined' discipline? *Futures*, 36(4), 503-513. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2003.10.008>

- Portney, K. E., Thomson, K., & Berry, J. M. (2002). *The rebirth of urban democracy*. Brookings Institution Press. <https://www.brookings.edu/books/the-rebirth-of-urban-democracy/>
- Rémy, É., Canavese, M., Berthier, N., & Petit-Berghem, Y. (2018). Le parc des Docks à Saint-Ouen (Seine-Saint-Denis). Entre passé industriel et écologisation du site: quel héritage humain et pédologique? *In Situ. Revue des Patrimoines*, (37). <https://doi.org/10.4000/insitu.19018>
- Renauld, V. (2012). *Fabrication et usage des écoquartiers français: éléments d'analyse à partir des quartiers De Bonne (Grenoble), Ginko (Bordeaux) et Bottière-Chénaie (Nantes)* [Doctoral dissertation, Institut National des Sciences Appliquées de Lyon, France]. Thèses.fr. <https://theses.fr/2012ISAL0052>
- Roudil, N. (2023). Quand les grands ensembles deviennent des écoquartiers inégalitaires et normatifs à la périphérie des métropoles. *Espaces et Sociétés*, 188(1), 21–36. <https://doi.org/10.3917/esp.188.0021>
- Rumpala, Y. (2009). Le développement durable comme reconstruction narrative d'un projet commun. In B. Villalba (Ed.), *Appropriation du développement durable* (pp. 39–65). Presses universitaires du Septentrion.
- Service planification et aménagement des territoires. (2024). *Note de contexte relative à la ZAC Docks de Saint-Ouen, candidate au label "Ecoquartier vécu"*. Ville de Saint-Ouen-sur-Seine. <https://www.exemple.lien/rapport.pdf>
- Sorensen, A., & Sagaris, L. (2010). From participation to the right to the city: Democratic place management at the neighbourhood scale in comparative perspective. *Planning Practice & Research*, 25(3), 297–316. <https://doi.org/10.1080/02697459.2010.503425>
- Sørensen, E., & Torfing, J. (2017). Metagoverning collaborative innovation in governance networks. *The American Review of Public Administration*, 47(7), 826–839. <https://doi.org/10.1177/0275074014555841>
- Souami, T. (2011). *Écoquartiers et urbanisme durable (Problèmes politiques et sociaux no. 981)*. La Documentation Française.
- Taylor, M. (2007). Community participation in the real world: opportunities and pitfalls in new governance spaces. *Urban Studies*, 44(2), 297–317. <https://doi.org/10.1080/00420980601074987>
- Teller, J., & Ruelle, C. (2016). *Docks de saint ouen (seminaire d'analyse de projets urbains)*. Université de Liege (faculté de science appliquées). Project Urbain. Retrieved from https://projeturbain.net/wp-content/uploads/2017/10/rapport_et_saint_ouen.pdf
- Toura, V. (2020). Toura, V. (2020). *De la ville industrielle à la ville durable: Les transformations d'anciennes friches industrielles en écoquartiers. Les cas de l'Île-de-Nantes et des Docks-de-Seine* [Poster présenté au Prix CILAC Jeune chercheur]. Comité d'information et de liaison pour l'archéologie, l'étude et la mise en valeur du patrimoine industriel (CILAC), Paris, France. https://hal.science/hal-02869867/file/Prix%20CILAC%202019_Toura%20Varvara.pdf
- Tozzi, P. (2014). Participatory issues in sustainable urban adaptation. Perspectives on Bordeaux eco-district operations. *Southwest Europe. Geographical Review of the Pyrenees and the Southwest*, (37), 105–116. <https://doi.org/10.4000/soe.1128>
- Tozzi, P. (Ed.). (2017). *Villes et quartiers durables: la place des habitants: La participation habitante dans la mise en durabilité urbaine: discours, effets, expérimentations et mises à l'épreuve*. Carrières Sociales Editions. <https://doi.org/10.4000/books.cse.102>
- Tozzi, P., & D'Andrea, N. (2014). Écoquartiers français et jardins collectifs: actualité et perspectives. *Vertigo-la revue électronique en sciences de l'environnement*, 14(2). <https://doi.org/10.4000/vertigo.15031>
- Tribout, S. (2018). *Les écoquartiers, des laboratoires pour la transition écologique?* *Revue d'économie régionale et urbaine*. <https://doi.org/10.3917/ru.183.0519>
- United Nations Economic Commission for Europe. (1998). *Convention on access to information, public participation in decision-making and access to justice in environmental matters (Aarhus Convention)*. UNECE.
- United Nations. (1992). *Agenda 21*. United Nations.
- United Nations. (2015). *Transforming our world: The 2030 agenda for sustainable development*. United Nations.
- United Nations. (2017). *New urban agenda*. United Nations.
- Valegeas, F. (2018). *Une durabilité sous conditions? La production des écoquartiers français, révélatrice d'une doxa néohygiéniste du développement durable*. *Métropoles*, (Hors-série). <https://doi.org/10.4000/metropoles.601>
- van de Wetering, S., & Groenleer, M. (2023). Putting inclusion into practice: How urban professionals give shape to participatory governance approaches in marginalized neighborhoods. *Urban Research & Practice*, 1–21. <https://doi.org/10.1080/17535069.2023.2184230>
- Vanier, M. (2011). Gouvernance et interterritorialité, même combat. *Territoires et projets, les outils de la gouvernance*, 32, 18–21. <https://fnau.siter.fr/wp-content/uploads/2016/03/syntheseseminaire-mars2011v2.pdf>
- Vrebos, H. (2024). Making (sense of) place. New participatory socio-spatial approaches for neighborhoods-in-flux [Unpublished doctoral dissertation]. KU Leuven, Belgium.
- Yezep-Salmon, G. (2011). Construction of an environmental assessment tool for eco-neighborhoods: towards a systemic method for implementing the sustainable city. *University of Bordeaux*, 1. <https://oskar-bordeaux.fr/handle/20.500.12278/21042>
- Zetlaoui-Leger, J., Fenker, M., Gardesse, C. (2015). Concertation et mobilisations citoyennes dans les projets d'écoquartiers français. Panorama densemble et essais de typologie. In L. Mermet & D. Salles, D. (Eds.), *Environnement, la concertation approuvée, contestée, dépassée?* (pp. 209–231). Éditions De Boeck. <https://hal.archives-ouvertes.fr/hal-01810498>

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ابرقویی فرد، حمیده و فنکر، مایکل. (۱۴۰۵). از صنعت به جامعه؛ فرایند تحول یک منطقه صنعتی در فرانسه به یک محله پایدار (واکاوی نمونه موردی محله سنتاوتن). *منظر*، ۱۸ (۷۴)، ۷۸–۹۱.

DOI: [10.22034/manzar.2026.534758.2365](https://doi.org/10.22034/manzar.2026.534758.2365)

URL: https://www.manzar-sj.com/article_242024.html?lang=fa

